

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

بحث در بررسی روایاتی است که مربوط به برزخ و حالاتی که در برزخ است بود، از قبیل عذاب قبر و فشار قبر و نظایر اینها. این جمله را عرض کنم که یکی از مسائل مهمی که وهابیت به وسیله آن در عقاید خودش دچار انحراف شدید شده همین قضیه برزخ است؛ بعد هم روایاتی در مورد اینکه چه زمانی به زیارت اهل قبور بروید یا آن روایتی که از پیامبر (صلوات الله علیه) خواندیم که بعد از اینکه مادر امیرالمؤمنین را دفن کرد یا در قضیه سعد معاذ پیامبر صلوات الله علیه دست راستشان را به دست چپ زدند و فرمودند «سمعت فاطمة بنت اسد تصویق یمینی علی شمالی» دال بر این است که این برزخ يك امر مسلم است و اینکه امروز در مکه و مدینه و بعضی از جاها وقتی شیعه‌ها می‌روند برای قبرستان بقیع یا قبرستان ابوطالب، برای زیارت اهل قبور ملاحظه می‌کنید که وهابیت در آنجا شدیداً مخالفت می‌کند می‌گویند اینها مُردند و تمام شد، چیزی نمی‌فهمند، به این معناست که اینها باید برزخ را انکار کنند! به این معناست که اینها باید آیاتی که در مورد برزخ آمده و صریح است «و من ورائهم برزخُ إلی يوم یبعثون» که ما آیات قرآن در مورد برزخ را مفصل بحث کردیم. حالا اگر این روایات را هم کسی سنداً یا به هر نحوی نپذیرد، اما دلالت آیات قرآن نسبت به برزخ بسیار روشن است.

پس این نکته هست که این عقاید باطلی که اینها دارند اینها باید برزخ را انکار کنند، یعنی باید بگویند انسانی که از دنیا می‌رود می‌شود خاک و جماد و ... تا قیامت مجدداً خدا اراده کند که این انسان را دوباره احیا کند و باید برزخ را به طور کلی انکار کنند و اگر می‌گویند ما برزخ را قبول داریم این آثار را هم باید بپذیرند و آثارش این است که انسان وقتی فاتحه می‌خواند این فاتحه به آن مرده می‌رسد، انسان وقتی حرف می‌زند و حتی به مرده سلام می‌کند، اینکه ما در مدینه یا قبور یکی از ائمه طاهرين سلام می‌دهیم اینطور نیست که بگوئیم شنیدن این سلام «أشهد أنك تسمع كلامي» اختصاص به امام (ع) یا پیامبر ندارد، هر موجودی که در عالم برزخ هست چون حیات برزخی دارد به اذن خدای تبارک و تعالی می‌شنود، پس این نکته‌ی مهمی است (و کمتر دیدم که به آن توجه شود) در عقاید باطله وهابیت، وهابیت یا باید برزخ را انکار کنند، که اگر برزخ را انکار کنند باید آیات قرآن در مورد برزخ را انکار کنند، آنها که این همه ادعا دارند ما با قرآن سر و کار داریم، این آیات قرآن است در مورد برزخ و اگر قرآن و آیات برزخ را قبول دارند آثار آن را باید بپذیرند، نباید بگویند زیارت اهل قبور شرك است. عرض کردم خود حیات برزخی دلالت روشنی بر این معنا دارد.

حدیث 55 جلد ششم صفحه 237 بحار الأنوار يك قضیه‌ای را از اصبع بن نباته با امیرالمؤمنین نقل می‌کند، منتهی در حدیث 55 از يك منبع نقل می‌کند و در حدیث 65 از کتاب دیگری نقل می‌کند! و راوی هر دوی آنها فضل بن شاذان است، منتهی اینها می‌گویند عن الفضل بن شاذان من کتاب صحائف الأبرار و در حدیث 65 می‌گویند روي الفضل بن شاذان في کتاب القائم علیه السلام، کتابی که مربوط به حضرت حجت (عج) است. «عن ابن طریف عن ابن نباته» که همان اصبع بن نباته است «في

حدیث طویل یذکر فیہ أنَّ امیرالمؤمنین (ع) خرج من الکوفة ومَرَّ حتَّى أتى الغربین فجازه فلحقناه» حضرت از کوفه خارج شدند و به غریبن رسیدند که همان نجف باشد، در روایت دیگر ندارد که کجا رفتند! «فلحقناه وهو مستلق علی الارض بجسده لیس تحته ثوب» بعید نیست که بگوئیم به وادی السلام نجف رسیدند، خود نجف را غری می‌گویند، یکی از اوصافی که برای نجف اشرف است النجف الغربی است، از آنجا گذشتند و شاید چون از مضمون روایت استفاده می‌شود، به وادی السلام رسیدند و آنجا «وهو مستلق علی الارض» در اینجا دارد که «اضجع فی نجف الکوفة علی الحصار» حضرت روی زمین خوابیدند، منتهی «بجسده لیس تحته ثوب» زیراندازی هم نداشتند «فقال له قنبر: یا أمیرالمؤمنین ألا أبسط ثوبی تحتک؟» اجازه می‌فرمایید لباس خودم را زیر شما بیندازم؟ فرمودند: نه «قال: لا» بعد حضرت فرمود: «هل هی إلا تربة مؤمن أو مزاحمة فی مجلسه؟» اینجا می‌گوید که ما خوابیدیم یا تربت یک مؤمن است یا مزاحمت با مجلس اوست «قال الاصمغنی: فقلت: یا أمیر المؤمنین» اصمغنی بن نباته می‌گوید عرض کردم یا امیرالمؤمنین «تربة مؤمن قد عرفناه» اینجا زمین مؤمن است قد عرفناه «کانت أو تكون» تربت مؤمن یعنی محل دفن یک مؤمن، این کنایه است و نه اینکه این زمین ملک کسی باشد، اگر ملک کسی باشد که بین اینک زیرانداز بیندازند و نیندازند فرقی وجود ندارد بلکه هر دو اشکال دارد. تربة مؤمن یعنی محل دفن یک مؤمن.

اصمغنی بن نباته می‌گوید یا اینجا یک مؤمنی دفن شده یا بعداً دفن خواهد شد و معنایش برای ما روشن است، اما اینکه می‌فرماید «مزاحمة فی مجلسه» یعنی چه؟ یعنی اینکه شما الآن اینجا نشستید یا خوابیدید، با یکی از مجالس مؤمنین مزاحمت می‌کنید «فما مزاحمة فی مجلسه؟ فقال: یا بن نباته لو کشف لکم رأیتهم أرواح المؤمنین فی هذا الظهر» اگر برای شما مکتشوف شود (یعنی پرده کنار رود) ارواح مؤمنین را در ظهر این خاک می‌بینید، یعنی در باطن این خاک و ظهر این تربت ارواح مؤمنین حلقه حلقه هستند، «حلقاً یترأرون ویحدثون» با هم نشستند و صحبت می‌کنند «إن فی هذا الظهر روح کل مؤمن» در این ظهر روح تمام مؤمنین است «وبوادی برهوت نسمة کل کافر» در وادی برهوت هم روح هر کافری است، که این به وادی برهوت قرینه می‌شود که این «فی هذا الظهر» مراد همان وادی السلام است! حضرت فرمود «فی هذا الظهر روح کل مؤمن» نه روح مؤمنینی که اینجا دفن شدند! آن روایاتی که می‌فرماید روح همه مؤمنین را به وادی السلام نجف می‌برند قرینه‌ی به همین معناست که روح هر مؤمنی در آنجا است

عرض کردم هم اینجا این روایت را نقل می‌کند و هم در آنجا نقل می‌کند. آنجا دارد «یا بن نباته إن فی هذا الظهر ارواح کل مؤمن ومؤمنة فی قوالب من نور علی منابر من نور» حضرت فرموده اینها در قالبی از نور هستند بر منابری از نور. آنجا گاهی اوقات بعضی‌ها سؤال می‌کنند مگر وادی السلام چقدر جا دارد که روح هر مؤمنی به آنجا می‌رود؟ در حالیکه وادی السلام نجف خیلی بزرگ است، ولی بحث این است که اینها دیگر نیاز به مکان ندارند، اینها از نظر شرافت یک تعلقی به آنجا پیدا می‌کنند و الا میلیاردها مؤمن هم باشد در این قالب‌های مثالی وقتی قرار بگیرد نیاز به مکان ندارند و آنجا حضور پیدا می‌کنند.

روایت دیگر، روایت 66 صفحه 243؛ «عن زید الشحام عن ابی عبدالله (ع) قال» امام صادق فرمود «إن ارواح المؤمنین یرون آل محمد (ع)» ارواح مؤمنین آل پیامبر را می‌بینند «فی جبال رضوی» در کوه رضوی، یعنی وقتی ارواح می‌خواهند با اهلبیت پیامبر و ائمه معصومین (ع) ملاقات کنند به آنجا می‌روند، «فتأکل من طعامهم و تشرب من شرابهم و تحدث معهم فی مجالسهم» از طعام آنها می‌خورند (یعنی در همان قالب مثالی‌شان)، از شراب‌شان می‌خورند و با آنها حرف می‌زنند، تا وقتی که قیام حضرت حجت (عج) بشود، می‌فرماید وقتی که قائم ما قیام کند «بعثهم الله فأقبلوا معه» وقتی که حضرت قیام کند، خداوند این ارواح مؤمنین را مبعوث می‌کند و اینها اقبال می‌کنند و توجه به حضرت پیدا می‌کنند و گروه گروه لبیک می‌گویند «زمرأ زمر»، که ذیل این مربوط به قضیه رجعت است، صدر این روایت مربوط به قضیه برزخ است اما ذیل آن مربوط به قضیه رجعت است. این هم عجیب است؛ از روایات استفاده می‌شود که مسئله‌ی رؤیت در منام و خواب دیدن، از اول که بشر به دنیا آمده

نبوده، اینطور نیست که بگوئیم از همان روزی که خدای تبارک و تعالی بشر را خلق کرده مسئله احلام هم بوده.

در يك روايتي از امام كاظم(ع) در كافي نقل مي‌کند، امام كاظم(ع) فرمود «إِنَّ الْأَحْلَامَ لَمْ تَكُنْ فِيمَا مَضَى فِي أَوَّلِ الْخَلْقِ» در اول خلق نبوده «و إنما حدثت» بعد حادث شده، راوي مي‌گويد عرض کردم «و ما العلة في ذلك» چطور شد اين احلام بعداً به وجود آمد؟ «فقال إنَّ الله عزَّ ذكره بعث رسولاً إلي أهل زمانه فدعاهم إلي عبادة الله و طاعته» خدای تبارک و تعالی در يك زماني رسولي را براي اهل آن زمان فرستاد که آن رسول مردم را به عبادت و طاعت خدا دعوت کردند «فقالوا إن فعلنا ذلك فما لن» ما اگر خدا را عبادت کنیم چه نتيجه‌اي دارد؟ «ما أنت بأكثرنا مالاً و لا بأعدنا بعشيرة» (به آن رسول گفتند) تو بيشتر از ما مال نداری، طائفه و عشيرهات هم بيشتر از ما نیست! «فقال» رسول در جواب فرمود «إن اطعتموني أدخلكم الله الجنة» اگر از من اطاعت کنید خدا شما را داخل بهشت مي‌کند «و إن عصيتموني أدخلكم الله النار» اگر مخالفت کني خدا شما را داخل جهنم مي‌برد «فقالوا: و ما الجنة و النار؟» جَنَّت و نار چیست؟ «فوصف لهم ذلك» آن رسول برايشان توضيح داد «فقالوا متي نصير إلي ذلك» ما چه زماني وارد جَنَّت يا نار مي‌شویم؟ «فقال إذا مدتم» وقتي بميريد. به اینجا که رسيد، اينها گفتند ما ديديم آزادي مُردند و چيزي از ايشان باقي نمانده «فقالوا لقد رأينا أمواتنا صاروا عظاماً» اينها به يك استخوان تبديل شدند! «فازدادوا له تكذيباً و به استخفافاً» دوباره شروع کردند به تكذيب آن رسول و او را تحقير کردند، «فأحدث الله عزوجل فيهم الأحلام» خدای تبارک و تعالی خواب ديدن را براي اينها خلق کرد «فعطوه» اينها دوباره پيش آن رسول آمدند «فأخبروه بما رأو و ما أنكروا من ذلك» معلوم مي‌شود يك احلامي بوده که در اين احلام آثار عملشان را ديدند، حالا شايد آثاري از بهشت و جهنم هم ديدند، آمدند مسئله را بيان کردند و آن رسول فرمود «إِنَّ الله عزَّ ذكره أراد أن يحتج عليكم بهذا» خدا به وسيله احلام مي‌خواهد به شما احتجاج کند، يعني اگر کسي بگويد دليل عالم برزخ چیست؟ بهترين دليلش همين خواب و رؤيت در منام است.

(سؤال و پاسخ استاد): اصل خواب ديدن يك امر واقعي است و امام مي‌فرمايد خود همين دليل بر اصل قضيه برزخ است. يعني شما در عالم خواب با اينکه جسمتان حرکت نمي‌کند سفر مي‌رويد، مي‌خوريد، مي‌نوشتيد، دستتان زخم مي‌شود، ناراحت يا خوشحال مي‌شويد، ديگران را مي‌بينيد، آن هم با اراده. امام مي‌فرمايد اين خدای تبارک و تعالی که احلام را به وجود آورده مي‌خواهد بر شما احتجاج کند.

بعد رسول به آنها فرمود «هكذا تكون ارواحكم اذا مدتم و إن بليت أبدانكم تصير الأرواح إلي عقاب حتي تبعث الأبدان» اگر بميريد و ابدان‌تان هم پوسيده شود، ارواح شما را به عقاب تحويل مي‌دهند که اگر گناهکار باشند معاقب مي‌شوند تا اينکه ابدان مبعوث شود.

عرض کردم اين روايات برزخ خيلي مهم است، ابعادي را براي انسان روشن مي‌کند که مهم‌ترين بُعد آن اصل قضيه برزخ است که کسي در قضيه‌ي برزخ ترديدي نکند و عرض کردم که وهابيت بايد آيات برزخ را انکار کنند و اگر آيات برزخ را قبول دارند اين شبهه‌هاي عوامانه بي‌سر و ته علمي که مي‌گويند شما که سلام مي‌کنيد نمي‌فهمد، چرا نمي‌فهمد؟ ما بحثمان جسد و بدن او نيست، بحث ما روح اوست. اتفاقاً وقتي انسان از اين عالم رحلت مي‌کند روح انسان وسيع‌تر مي‌شود، قدرت توجهش بيشتر مي‌شود، امروز در دنيا اگر به زيد سلام کنیم، يك مقدار که فاصله داشته باشد نمي‌شنود! اما در آنجا اين مسائل مطرح نيست.

در مورد عذاب قبر و فشار قبر که بعضي از رواياتش را خوانديم، يك روايت هست که در دعوات قطب راوندي از امام باقر نقل

شده؛ حضرت می‌فرماید «من أتمَّ ركوعه لم يدخله وحشة القبر» خیلی روایت خوبی است. می‌فرماید کسی که رکوعش را کامل انجام بدهد، این کنایه است! این خصوص رکوع در نماز نیست، یعنی من اتمّ صلاته! نه خصوص رکوع، منتهی چون حقیقت نماز عمدتاً در رکوع است و یک رکعت قوامش به رکوع است اینطور بیان شده. حالا اگر بخواهیم به ظاهر روایت پیش برویم، یعنی کسی که رکوعش را درست و حسابی انجام بدهد هنوز به نرفته بلند نشود! رکوعش را استمرار بدهد، با طمأنینه و حضور قلب باشد، اگر گفتیم کنایه از خود نماز است معلوم می‌شود آنچه که در عالم قبر برای انسان مفید است و انسان را از وحشت قبر حفظ می‌کند مسئله‌ی نماز است، اگر نماز انسان واقعاً کامل باشد این گرفتار وحشت قبر نمی‌شود، بر حسب این روایتی که اینجا است.

آیه‌ی شریفه‌ای که در سوره الرحمن است: «فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ» آیه مربوط به قیامت است و در آنجا مفسرین بحث می‌کنند که چه کنیم؟ آیات دیگری که دارد وقفوه‌م إِنْهُمْ مسئولون و از همه سؤال می‌کند، این آیه که می‌گوید «فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ».

در حدیث 77 صفحه 236 در تفسیر علی بن ابراهیم این آمده که «قال لا يسأل عن ذنبه» یعنی «منكم أي من الشيعة إانس و لا جان» بعد گفته «معناه إنه من تولي أمير المؤمنين صلوات الله عليه و تبرأ من أعدائه و أحلّ حلاله و حرّم حرامه» کسی که ولایت امیرالمؤمنین داشته باشد و تبری از اعداء او داشته باشد و حلال را حلال بداند و حرام را هم حرام بداند، «ثم دخل في الذنوب و لم يتب في الدني» بعد اگر گناهانی هم انجام بدهد «عذب لها في البرزخ» در بعضی از نسخ دارد «عليها في البرزخ» یعنی در برزخ عذاب می‌شود، «و يخرج يوم القيامة و ليس له ذنب يسأل عنه يوم القيامة» خیلی روایت عجیبی است! یعنی علّت عذاب در برزخ يك مقدارش برای دفع عذاب در قیامت است، البته قبلاً خواندیم در بعضی از روایات دارد که پیامبر فرمود قبر مشکل‌تر از دنیا است و قیامت هم مشکل‌تر از قبر است، برای بعضی‌ها عذاب قیامتشان بیشتر از عذاب قبر است، اما برای شیعیان امیرالمؤمنین(ع) که حلال و حرام را دقت کردند اما بعضی از گناهان را مرتکب شدند، همین مقدار عذابی که در عالم قبر متوجه آنها می‌شود، سبب می‌شود که روز قیامت دیگر مورد سؤال هم واقع نشوند.

علی اّحال این هم یکی از روایاتی است که هم دلالت بر عذاب برزخی دارد که در برزخ عذاب است و هم دلالت دارد که این عذاب دفع عذاب در قیامت می‌کند از شیعیان.

و صلي الله علي محمد و آله الطاهرين